۱۴۰۴/۰۵/۰۸

۷/۱۴۰۴/۱۳۴

شماره پرونده: ۱۳۴-۶۶-۱۴۰۴ح

استعلام:

به استحضار می رساند در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض بیش از یک برابر و یک و نیم برابر برای ساختمان‌های ابقا شده توسط کمیسیون‌های موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری توسط شوراهای اسلامی مغایر با قانون و خارج از حدود و اختیارات شوراهای اسلامی تشخیص داده شده و از مصادیق اخذ عوارض مضاعف شناخته شده است؛ از آرای مذکور چنین مستفاد است که در صورت ابقای بنای ساخته شده مازاد بر پروانه یا بدون پروانه در کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، عوارض مربوط باید بدون ضریب افزایش از مالک ساختمان اخذ شود. از طرفی به موجب ماده ۱۰ قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها مصوب ۱۴۰۱، پرداخت عوارض و بهای خدمات شهرداری‌ها و دهیاری‌ها پس از موعد مقرر قانونی و ابلاغ، موجب تعلق جریمه‌ای (در هنگام وصول) به میزان دو درصد (۲٪) به ازای هر ماه نسبت به مدت تأخیر و حداکثر تا میزان بیست و چهار درصد (۲۴٪) خواهد بود؛ با توجه به توضیحات و مستندات پیش‌گفته، خواهشمند است اعلام فرمایید:

در صورت رأی به ابقای بنا توسط کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، عوارض بنای ابقا شده، باید به چه تاریخی محاسبه شود؟ تاریخ روز تخلف؛ تاریخ رأی قطعی شده کمیسیون یادشده و یا به نرخ روز؟

پاسخ:

به موجب آراء وحدت رویه شماره ۲۱۰ مورخ ۲/۴/۱۳۸۷ و ۴۲ مورخ ۲۵/۲/۱۳۷۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، جریمه تخلفات ساختمانی به مأخذ ارزش معاملاتی ساختمان در زمان وقوع تخلف محاسبه و وصول می‌شود؛ اما در مورد عوارض ساختمانی پس از جریمه تعیین شده از سوی کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، با استفاده از آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ از جمله رأی وحدت رویه شماره ۲۷۱۵ مورخ ۱۹/۹/۱۳۹۸ آن مرجع، زمان تعلق عوارض، زمان انجام اعمال دیوانی است که در فرض سؤال، چنین زمانی، زمان صدور پایان کار ساختمانی است.

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

۱۴۰۴/۰۵/۰۸

۷/۱۴۰۴/۲۳۵

شماره پرونده: ۲۳۵-۲۱۸-۱۴۰۴ح

استعلام:

ابعاد حقوقی ماده ۳ قانون شفافیت قوای سه گانه، دستگاه‌های اجرایی و سایر نهادها مصوب ۱۴۰۳/۲/۱۰ در خصوص الزام سازمان جهت انتشار مذاکرات مراجع اختصاصی از جمله هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و هیأت‌های حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف و آرای مأخوذه از اعضای آن مراجع (به تفکیک اسامی موافق، مخالف و...) در پایگاه اطلاع‌رسانی به حضور ایفاد می‌گردد خواهشمند است با عنایت به مفاد نامه مذکور دستور فرمایید این سازمان را ارشاد فرمایند.

پاسخ:

موضوع درخواست مدیر کل محترم دفتر برنامه، بودجه و آمار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مبنی بر بررسی ابعاد حقوقی و قانونی بند ۵ نامه شماره ۱۱۴۷۳۱ مورخ ۲۱/۳/۱۴۰۴ سازمان بازرسی کل کشور منصرف از موارد استعلام حقوقی است که در مقام رفع ابهام از مقررات بر عهده این اداره کل می‌باشد. چنانچه در خصوص ماده ۳ قانون شفافیت قوای سه‌گانه، دستگاه‌های اجرایی و سایر نهادها مصوب ۱۴۰۳، پرسش خاصی مد نظر آن مرجع محترم باشد، به وضوح بیان شود تا با بررسی آن، اقدام و اعلام نظر لازم صورت گیرد.

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

۱۴۰۴/۰۵/۱۱

۷/۱۴۰۴/۲۵

شماره پرونده: ۲۵-۱/۷-۱۴۰۴ک

استعلام:

در جریان رزمایش برگزار شده توسط نیروهای مسلح، در نتیجه بروز تقصیر چند نفر از کارکنان به شهادت رسیده‌اند؛ آیا پیگیری خانواده شهدا برای شناسایی و برخورد قضایی با مقصران، مانع شهید محسوب شدن فرزندان آنها خواهد شد؟ آیا مطالبه یا عدم مطالبه دیه در این مورد تأثیری دارد؟

پاسخ:

از بندهای ۲، ۹، ۲۳ و ۴۱ ماده یک آیین نامه تعیین و احراز مصادیق عملی شهید، در حکم شهید و سایر مصادیق ایثارگری مصوب ۲۴/۲/۱۳۹۳ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی و اطلاق بند ۸ ماده ۳ این آیین‌نامه، چنین مستفاد است که افرادی که در حین رزمایش‌های نیروهای مسلح مصوب فرماندهان کل ارتش، سپاه و نیروهای انتظامی کشته می‌شوند «در حکم شهید» محسوب می‌شوند و با عنایت به ملاک ماده ۶۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و دیگر مقررات مرتبط؛ از جمله ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تقصیر و یا عدم تقصیر دیگران در بروز حادثه (در فرض سؤال، تعدادی از نظامیان) صرفاً از حیث تعیین مسؤول پرداخت دیه مؤثر در مقام است و تعقیب یا عدم تعقیب مقصران رزمایش و مطالبه یا عدم مطالبه دیه از سوی اولیای‌دم ، به خودی خود موجب نمی‌شود کشته‌شدگان از عنوان «در حکم شهید» محروم شوند.

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

۱۴۰۴/۰۵/۰۸

۷/۱۴۰۳/۱۱۲۴

شماره پرونده: ۱۱۲۴-۹۵-۱۴۰۳ح

استعلام:

نظر به اینکه تبصره ماده ۱۱۲ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ با اصلاحات بعدی، دستگاه‌های غیر مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری را به پرداخت فوق‌العاده موضوع بند یک ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی از منابع همان دستگاه مکلف کرده است و با توجه به اینکه شرکت فولاد خوزستان در زمان حاکمیت قانون برنامه ششم یادشده، شرکتی کاملاً دولتی و مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی نبوده است، آیا تبصره ماده ۱۱۲ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ با اصلاحات بعدی، شامل شرکت فولاد خوزستان می‌شود؟

پاسخ:

با توجه به صدر ماده ۱۱۲ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ با اصلاحات بعدی که متضمن هدف از تصویب این مقرره قانونی است و با لحاظ بند «ج» و تبصره ذیل این ماده و همچنین با توجه به قانون تفسیر بند «ج» ماده ۱۱۲ قانون برنامه یادشده مصوب ۱۳۹۹ و رأی وحدت رویه شماره ۱۳۲۰ مورخ ۳/۸/۱۴۰۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، حکم مقرر در بند «ث» ماده ۱۱۲ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ با اصلاحات بعدی، ناظر بر تمام کارکنان مشمول یا عدم مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی است که در محدوده مناطق عملیاتی دفاع مقدس اعلامی از سوی ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد و در فرض سؤال، تشخیص شمول یا عدم شمول این مقرره قانونی بر شرکت فولاد خوزستان با لحاظ ماهیت این شرکت و خصوصی یا دولتی بودن آن امری مصداقی و بر عهده مرجع رسیدگی کننده است که با توجه به تعریف شرکت دولتی در ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی صورت می‌پذیرد.

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

۱۴۰۴/۰۵/۰۴

۷/۱۴۰۳/۱۰۹۲

شماره پرونده: ۱۰۹۲-۷۵-۱۴۰۳ح

استعلام:

در صورت افزایش مقادیر کار تا بیست و پنج درصد مبلغ اولیه پیمان و عدم رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان به سبب عدم ابلاغ کتبی موضوع به پیمانکار یا ابلاغ به پیمانکار توسط نماینده فاقد اختیار و همچنین ابلاغ افزایش مقادیر کار بیش از بیست و پنج درصد مبلغ اولیه پیمان توسط کارفرما و یا نماینده فاقد اختیار مانند مدیر پروژه، آیا عوض حاصل از کارکرد در هر یک از فروض یادشده قابلیت مطالبه دارد؟ چه شخصی مسؤول پرداخت است؛ کارفرما یا نماینده فاقد اختیار و یا هر دو؟

پاسخ:

۱ و ۲- اولاً، در شرایط عمومی پیمان فرایند تغییر مقادیر کار پیش‌بینی شده است و به موجب بند «الف» ماده ۲۹، هرگونه تغییر در مقادیر کار مستلزم محاسبه تغییر مقادیر به وسیله مهندس مشاور و تصویب کارفرما است و پس از سپری شدن این روند، پیمانکار موظف است با دریافت ابلاغ تغییر مقادیر کار، عملیات مربوط به پروژه را انجام دهد؛ مشروط بر آن‌که مبلغ ناشی از تغییر مقادیر کار، از حدود مقرر در این بند بیشتر نشود.

ثانیاً، وفق ذیل بند «الف» یادشده، جمع مبلغ مربوط به افزایش مقادیر نباید از بیست و پنج درصد مبلغ اولیه پیمان بیشتر شود؛ چنین حکمی آمره بوده و با هدف جلوگیری از تحمیل بار مالی بیشتر بر عهده دستگاه اجرایی و فراتر از اعتبار پیش‌بینی شده برای طرح عمرانی مقرر شده است و توافق خلاف آن و درج چنین شرطی در قالب شرایط اختصاصی پیمان نیز فاقد وجاهت است.

ثالثاً، از بند «الف» ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان و همچنین از لفظ «ابلاغ» مندرج در این بند و نیز شرایط مقرر در این ماده برای تغییر مقادیر کار، چنین مستفاد است که تغییر یادشده باید به نحو مکتوب به پیمانکار ابلاغ شود تا انطباق آن با شرایط پیمان و رفع اختلافات احتمالی بعدی امکانپذیر باشد؛ همچنین در صورتی‌که فرد خاصی برای ابلاغ مشخص نشده باشد، به نظر می رسد صرف رعایت ترتیبات مذکور در صدر این ماده (محاسبه توسط مهندس مشاور و تصویب توسط کارفرما) برای صحت ابلاغ به پیمانکار کفایت می‌کند و شخص ابلاغ‌کننده موضوعیت خاصی ندارد.

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

رابعاً، در فرض سؤال، احراز استحقاق و یا عدم استحقاق پیمانکار نسبت به کار مازاد انجام شده، امری موضوعی است که بر عهده مقام قضایی رسیدگی‌کننده است و در صورت رعایت ترتیبات پیش‌گفته، در صورت احراز استحقاق پیمانکار، پرداخت اجرت و بهای ناشی از تغییر مقادیر کار بر عهده کارفرما است.

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

۱۴۰۴/۰۵/۱۳

۷/۱۴۰۳/۱۰۵۳

شماره پرونده: ۱۰۵۳-۲۶-۱۴۰۳ح

استعلام:

اولاً، چنانچه محکوم‌به عین معین باشد و محکوم‌له در اجرای ماده ۴۲ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ از تحویل گرفتن اموال خود که در اختیار محکوم‌علیه است، خودداری کند؛ آیا می‌توان مال را در حکم مال بلاصاحب تلقی و آن را در اختیار سازمان اموال تملیکی قرار داد؟

ثانیاً، در صورت منفی بودن پاسخ، به مانند فرضی که محکوم‌به از نوع وجه رایج می‌باشد و محکوم‌علیه برای ایفای تعهد خود وجه محکوم‌به را به حساب دادگستری واریز می‌کند، آیا دادگستری مکلف به فراهم کردن مکانی برای تحویل دادن عین محکوم‌به است؟ توضیح آنکه، در چنین فرضی که عین محکوم‌به در ید محکوم‌علیه باقی می‌ماند و وی قادر و حاضر به نگهداری محکوم‌به نبوده و تقاضای اجرای رأی و خروج هر چه سریعتر محکوم‌به از محل خود را دارد، راه‌حل پیشنهادی آن اداره کل برای حل موضوع و رفع مخاطرات احتمالی مربوط به ادعاهای آتی محکوم‌له و عدم تحمیل هزینه‌های مربوط به نگهداری و اشغال فضای فیزیکی بر محکوم‌علیه، راهگشا می‌باشد.

پاسخ:

اولاً، در فرض سؤال صرف امتناع محکوم‌له از تحویل گرفتن محکوم‌به عین معین، موجب تلقی مال به عنوان مال بلاصاحب و تحویل آن به سازمان متولی این اموال نمی‌باشد؛ همچنانکه این امر الزاماً به معنای اعراض مالک از تحویل مال نیست و احراز اعراض، امری است که مستلزم رسیدگی قضایی است.

ثانیاً، در چنین فرضی اجرای احکام تکلیفی به تهیه مکانی برای نگهداری عین محکوم‌به ندارد.

ثالثاً، فرض سؤال در صورت احراز می‌تواند از مصادیق درخواست محکوم‌له برای توقیف یا تأخیر در اجرای حکم موضوع ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ تلقی شود.

رابعاً، در فرض سؤال که محکوم‌علیه قادر و یا حاضر به نگهداری عین محکوم‌به نیست، صرف‌نظر از آنکه می‌تواند اجرت ایام نگهداری را به موجب دعوایی مستقل مطالبه کند، به نظر می‌رسد اجرای احکام می‌تواند با اخذ ملاک از مواد ۴۵ و ۸۲ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، مال را به حافظ سپرده و اجرت حافظ را تعیین کند.

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

۱۴۰۴/۰۵/۱۳

۷/۱۴۰۳/۸۳۸

شماره پرونده: ۸۳۸-۷۶-۱۴۰۳ح

استعلام:

مالی از سوی «الف» به «ب» و سپس به ترتیب توسط خریداران به ایادی بعدی «ج» و «د» فروخته شده است. در حال حاضر که بطلان بیع ثابت شده است، آیا می‌توان پذیرفت که شخص «ج» برای مطالبه خسارت به «ب» مراجعه کند؛ در حالی که خود وی مال را به شخص «د» فروخته است؟ آیا مطالبه غرامت ناشی از بطلان بیع باید به صورت سلسله مراتب و با رعایت تعاقب ایادی صورت گیرد و یا آنکه میتوان بدون رعایت تعاقب، دعوای مطالبه غرامت را مطرح کرد؟

پاسخ:

در فرض سؤال که مالی مورد معاملات متعدد قرار گرفته و بطلان معامله به سبب قانونی احراز شده است، در خصوص لزوم رعایت یا عدم رعایت تعاقب ایادی در دعوای مطالبه خسارت، تشخیص ارکان مسؤولیت مدنی بر عهده دادگاه رسیدگی‌کننده است و این مرجع باید احراز کند انتقال‌دهنده بالفعل ضرر مسلمی را متحمل شده است؛ بنابراین در فرض سؤال، احراز معوض یا غیرمعوض بودن انتقال مال از سوی هر یک از خریداران به ید بعدی و در صورت معوض بودن، دریافت یا عدم دریافت معوض توسط انتقال‌دهنده، در امکان یا عدم امکان رجوع این شخص به ید قبلی خود مؤثر است و در هر مورد تشخیص مصداق بر عهده مرجع رسیدگی‌کننده است.

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

۱۴۰۴/۰۵/۱۱

۷/۱۴۰۳/۷۶۹

شماره پرونده: ۷۶۹-۱۲۷-۱۴۰۳ح

استعلام:

چنانچه در جریان رسیدگی به دعوا، طرف مقابل ایرادی برای سلب اعتبار از ادله ابرازی مطرح نکند، آیا می‌تواند دعوای مستقلی با عنوان سلب اعتبار از ادله؛ مانند اثبات فساد اقرار، ابطال شهادت شهود و یا ابطال سوگند مطرح کند؟ چنانچه این دعوا استماع شود، آیا دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی، باید دادرسی خود را متوقف کند؟

پاسخ:

صرف نظر از ابهام موجود در استعلام، چنانچه مقصود آن است که خواهان به جای جرح شهود و یا ایراد به دیگر ادله ابرازی که باید در فرآیند دادرسی انجام شود، دعوای مستقلی در این زمینه مطرح کند، با توجه به مقررات حاکم بر امر رسیدگی به دعاوی مدنی و فرآیند رسیدگی به ادله ابرازی طرفین و حقوق و تکالیف طرفین در این راستا و آثار قانونی مترتب بر آن؛ از جمله به شرح مذکور در مواد ۹۶ و ۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، عدم ایراد به ادله ابرازی طرف مقابل و طرح دعوای مستقل برای سلب اعتبار از ادله فاقد وجاهت قانونی و غیر قابل استماع است و بر این اساس، موجبی برای توقف رسیدگی به دعوای اصلی تا زمان اتخاذ تصمیم در خصوص دعوای ابطال ادله نیست.

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir

۱۴۰۴/۰۵/۱۴

۷/۱۴۰۳/۵۵۶

شماره پرونده: ۵۵۶-۱/۱-۱۴۰۳ح

استعلام:

در صورت طرح دعوی دستور تخلیه به همراه مطالبه اجور با خواسته بالای صد میلیون تومان دادگاه صلح باید دعاوی را تفکیک و مطالبه اجور را عدم صلاحیت صادر کند یا هر دو دعوا را با قرار عدم صلاحیت به دادگاه حقوقی ارسال کند؟

پاسخ:

اولاً، مطابق ماده ۱۷ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، در مواردی که در این قانون حکمی تعیین نشده است، آیین دادرسی و ترتیبات رسیدگی، صدور رأی و اجرای احکام دادگاه صلح، حسب مورد تابع قوانین و مقررات حاکم بر دادگاه‌های حقوقی و کیفری است.

ثانیاً، با توجه به حکم مقرر در مواد ۴ و ۱۲ قانون یادشده، صلاحیت دادگاه صلح نسبت به دادگاه‌های عمومی حقوقی از نوع صلاحیت نسبی است و نه ذاتی.

ثانیاً، در خصوص نحوه رسیدگی به دعاوی طاری و مرتبط، چنانچه یکی از دعاوی از صلاحیت دادگاه صلح خارج باشد، وفق قواعد عمومی و با اخذ ملاک از مواد ۱۰۳ و ۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ رسیدگی به هر دو دعوا در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است

دکتر احمد محمدی باردئی

مدیر کل حقوقی قوه قضاییه

تحلیف
پایگاه خبری
www.tahleif.ir